

آخر این دکان بازی ها به کجا خواهد انجامید؟

چون پیش بینی آینده دکان بازی های اخیر گاندی افغانستان، اشرف غنی و جنگ سالار تازه رسیده بدوران، عبدالله عبدالله نظر به روحیه و اخلاق این دو انسان سیاست زده، پیچیدگی های سیاست و حرکت های ماکیاولیستی سیاستمداران مطرح فعلی کشور ما کمی مشکل است، با قید احتیاط، فقط در مورد توافقی که بعد از آمدن "مرد سفید" و رسالتی که این سفید مردان از قرن ها در تغییر جهان، بویژه در تغییر کشور های نامتمدن داشته و دارند، می توانم بگویم که از معامله ای که بین این اکارم روزگار - عبدالله و غنی - به عمل آمده است، عجالتاً شخصاً راضی ام.

کرزی و اشرف غنی، همراه و به کمک کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات و کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی واقعاً کشور را به لب پرتگاه نابودی برده بودند. این ها گذشته از دست یازیدن به تقلب در آرای مردم، قانونی ترین تقاضای جانب مقابل را مبنی بر شمارش دوباره آرا قبول نکردند و در نتیجه سبب شدند که طرف داران نامزد دیگر ریاست جمهوری در ابتدا برای وارد کردن فشار به تیم مقابل و بر کمیسیون ها رابطه شان را با کمیسیون های انتخاباتی قطع نمایند و بعداً زمانی که کمیسیون ها با زورگویی التفاتی به این خواسته ای برحق تیم معترض نکرد، آن ها هم مطابق قانون، به راه پیمائی و تحصن، بدون این که دست به خشونت بزنند، پرداختند.

بی اعتنائی رو به فزونی کرزی و کمیسیون ها و اشرف غنی و حامیان رنگارنگ شان، بدون این که این ها به عواقب اعمال ناشایست و غیرقانونی خود توجه کنند، در نتیجه سبب شد که تیم مقابل از روی ناگزیری به عمل نسبتاً خشونت باری متوسل شود و خیمه لویه جرگه را اشغال نموده عکس رئیس جمهور را که با همه نفرتی که مردم از او دارند هنوز حیثیت رئیس جمهور کشور را دارا است، پائین کشیدند و پاره کرده تهدید نمودند که اگر به خواسته شان (شمارش مجدد چیزی کمتر از نصف آرا) جواب مثبت داده نشود، همزمان با حکومت اشرف غنی حکومت دیگری را در کشور اعلام خواهند کرد. همه این قضایا در اثر زورگویی مثلث شوم و قوم مدارانه (رفتار اجتماعی کسانی که به قوم خویش بیشتر از سائر اقوام ارزش قائل است و آن ها را نسبت به دیگران ارجح می داند) کرزی - کمیسیون - غنی رخ داده است.

امروز اشرف غنی با اطمینانی که بیشتر از ماده رندی وی منشأ می گیرد، برای گریز از عملکرد های خودخواهانه و مخربش که می توانست کشور را به سوی تباهی ببرد، می گوید: **"به دنبال مشکلات بوجود آمده در دور دوم انتخاباتی افغانستان، کشور در آستانه جنگ داخلی نبوده است، چرا که به گفته او مردم دیگر خواهان چنین تجربه ای نیستند."** (نقل از بی بی سی).

نمی دانم که یک دانشمند، یک مرد تحصیل کرده، یک انسانی که بر اساس نوشته های انسان های ساده لوح به خاطر این که ده ها کتاب نوشته و در دانشگاه های معتبر دنیا تدریس نموده و تجارب زیادی دارد و برحسب همین تجربه ها و داشته های اکادمیک

و علمی باید یک شخص دانسته و انسان نیک و مستحق ریاست دولت است، چطور با چنین قاطعیت چنین حرفی را می زند؟ در حالی که باید بداند و ببیند که جهان به سوی استبداد نسبی گرائی در حرکت است و هیچ بنده عاقل خدا هیچ امری را به عنوان امری قطعی نمی پذیرد!

توقع من به عنوان یک افغانی که واقعاً خواهان یک افغانستان واحد و متحد است و در عمل هم با نوشته های متعدد از چند دهه بدینسو هر حرف و عملی را که سبب آزردگی و دوری اقوام ساکن کشور از یک دیگر می شده و می شود شدیداً نکوهش نموده ام، این است که با توجه به علم و دانشی که گفته می شود وی در زندگی اش اندوخته است و با در نظر داشت همه آن فروتنی ای که از خود بروز می دهد، اگر ظاهر سازی و فریب مردم نباشد، که هست، بروند و اعتراف کنند که کشور از جانب ایشان با چنین یک خطری مواجه بوده است؛ و ایشان، تنها ایشان با یاران درون و بیرون ارگ شان، و نه کسی دیگری، مقصر همه آشفتگی ها و مقصر همه افتضاحات دیگر در ارتباط با انتخابات اخیر کشور بود اند.

و اعتراف کنید که شما گذشته از این که توانائی حل مشکلات کلان در کشور را ندارید، خود عامل مشکل، همراه با رفیق بزرگ تان، کرزی، و رفقای کوچک تان امرخیل و سعادت و... هستید!!

به روی همو تسبیح پنجصد دانه ای تان، نگوئید که ما با هم در تماس بودیم و به آنچه امروز در اثر میانجی گری وزیر خارجه امریکا دست یافته ایم، قبلاً می اندیشیده ام! شما از هیچ کوششی که افغانستان را به سوی جنگ و تباهی و تجزیه ببرد، خود داری نکردید. این شما بودید، همراه با چهار تا قوم پرست افراطی دیگر، که شمشیر ها را به دست زنگیان مست دادید، نه کسی دیگری!!

تاریخ این عمل بسیار چرکین و شرم آور شما و آنانی را که با نوشتن مقاله ها شما را با هیاهوی بی جا تشویق به پافشاری به تخلف و تقلب کردند، هرگز فراموش نخواهد کرد! نمی دانم، شما که در ایام جهاد از افغانستان دور بودید، این همه سخنانی را که مخصوص رهبران جهادی بود، از کجا و از کی آموخته اید؟!

ضمناً یک چیز را می خواستم از شما بپرسم و آن اینست که این جمله شما:

"دیگر تبار و قوم و تعدد زبان از میان خواهد رفت فقط افغان و زبان افغان باقی خواهد ماند"، در "فیس بوک" تان چه معنی می دهد؟

افغانی که شما از او و از زبان او صحبت می کنید، کدام یک از اقوام کشور و کدام زبان خواهد بود؟

می خواهم منظور تان را از افغان و زبان افغان روشن بسازید! آن زبانی که به عنوان زبان افغان و یگانه زبان در کشور باقی خواهد ماند، کدام زبان خواهد بود؟ و چرا؟

در هند 22 زبان رسمی وجود دارد. در پاکستان ملیت های مختلف این سرزمین هر یک به زبان خود شان درس می خوانند و صحبت می کنند. در عراق هم عربی صحبت می کنند و هم کردی. در روسیه و در ده ها کشور دیگر ملیت ها و اقوام ساکن در این کشور ها هر کدام به زبان خود حرف می زنند و در چین اویغوری ها زبان خود را دارند و... شما با این همه درایتی که برخی ها به شما نسبت می دهند، چطور در این وقت حساس به این فکر افتادید؟!

شما که مشکل بسیار ساده انتخابات را نه تنها حل کرده نتوانستید، بلکه گرهی به گره های آن افزوده رفتید، چگونه مشکل زبان و اقوام این کشور را، با آن تعلق قلبی ای که مردم در حال حاضر به نژاد و قوم و زبان خود دارند، حل خواهید کرد، آنهم در چنین فرصت کوتاهی و با این موضع گیری تند قومی تان؟

لطفاً برای خواندن کامل پیام این قوم پرست افراطی به مقاله "اشرف غنی و یک خطابه تلخ دیگر" به قلم فرهیخته انسان، میرحسین مهدوی، در وبسایت زیبا و آموزنده "رنگین" مراجعه کنید. خواندن این مقاله را نیز توصیه می کنم.